

کشور آلمان که قرن ها به صورت ایالات کوچک و مجزا اداره میشد، با سرکار آمدن اوتو فون بیسمارک در سال ۱۸۷۱ متحد شد و خیلی سریع در زمینه های علم و فناوری پیشرفت کرد. در آن زمان کشورهای بزرگ اروپایی تقریباً تمام کشور های جهان را بین خود تقسیم کردند. به عنوان مثال انگلستان، یک چهارم دنیا را در دست داشت و یا مستعمره بودند یا نیمه مستعمره. کشورهای استعمارگر کالاهای خود را به مستعمره هایشان میفروختند و مواد خام را به قیمت اندک یا رایگان وارد کشور خودشان میکردند. بی عدالتی فریاد میزد. در میان خوش گذرانی کشورهای اروپایی، تنها آلمان بود که مستعمره ای نداشت و در نتیجه بازارفروش مناسبی هم برای کالاهایش نداشت، حتی با اینکه صنعت فولادش از انگلیستان پیشرفته تر بود و نیروی کار مناسبی داشت. تنها هدف کشورهای اروپایی فروش کالا و کسب سود بسیار زیاد بود و در این راه از نیروی کار زنان و کودکان هم استفاده میکردند. در همین مواقع بود و آلمان احساس میکرد چون به او کشوری برای استعمارگری نداده بودند، مورد ستم و ظلم قرار گرفته. و انگلستان و فرانسه هم دست از مستعمره های خود نمیکشیدند و همین باعث میشد این قدرت های بزرگ کم کم در مقابل هم قرار بگیرند و فضای مشتتج جنگ اندک اندک اماده میشد. بیسمارک از این میترسید که در جنگ تنها بماند، برای همین با پادشاهی مجارستان-اتریش، پیمان نظامی بست و چندی بعد ایتالیا هم به این قرارداد پیوست. فرانتس یوزف، امپراتور پیر اتریش اداره امور دولتی را به وزیر های نالایق داده بود و آنها خواهان جنگ بودند و پادشاه را به جنگ تشویق میکردند. پیمان نظامی اتریش و آلمان، سبب نگرانی بسیار زیاد فرانسه و روسیه شد. فرانسوی ها که از جنگی که در سال ۱۸۷۰ رخ داده بود و حرص زیادی در قلبشان به خاطر شکست کز کرده بود و از قدرت گرفتن آلمان هراس داشتند، دست کمک به سمت تزار روسیه دراز کردند و، روسیه هم قبول کرد. به این ترتیب در سال ۱۸۹۴ اروپا به دو گروه تقسیم شد، در یک سو آلمان و اتریش و ایتالیا، و در سوی دیگر، روسیه و فرانسه.

انگلیس در ظاهرش خود را از اروپا جدا میدانست و همواره تلاش میکرد که اروپا در آرامش کامل باشد، اما وضع موجود مطابق میل انگلستان بود. چرا که این کشور با داشتن نیروی عظیم دریایی و مستعمره هایش و قدرت نظامی بالا، بازار جهانی را در جهان در دست داشت و از هرگونه تغییری پرهیز میکرد. اما، همانطور که آلمان پیشرفت میکرد نیروی دریاییش هم بیشتر پله های ترقی را طی میکرد و این سبب نگرانی انگلیس شد. قدرت انگلیس، تکیه بر قدرت دریاییش بود و حالا، کشتی های آلمانی در دریا با کشتی های انگلیسی به رقابت پرداخته بودند. انگلیس کم کم از انزوای سیاسی اش بیرون خزید و برای مدتی عیش و نوش احمقانه انسانی اش را کنار گذاشت و با روسیه و فرانسه بر ضد آلمان و بقیه متحدانش قرارداد بست. عامل اصلی جنگ سودجویی کشورهای صنعتی و رقابت قدرتهای استعمارگر با یکدیگر بود و تنها یک جرقه کافی بود تا جنگ شود. این جرقه در بالکان اتفاق افتاد. شبه جزیره بالکان قرن ها تحت سلطه عثمانی بود اما با ضعیف شدن عثمانی ها، کم کم کشورهای بالکان استقلال خود را به دست آوردند. نخست یونان و بعد بلغارستان و رومانی مستقل شدند. کشور کوچک صربستان تحت سلطه عثمانی بود، اما امپراتوری اتریش با زور و قدرت این کشور را از چنگ عثمانی در آورد و مثل یک تکه شکلات هالوین، به کلکسیون خودش اضافه کرد. ایالت بوسنی در کنار کشور صربستان قرار داشت و فرهنگ و زبان یکسانی داشتند و به همین دلیل کم کم به این فکر روی آوردند که باید با یکدیگر متحد شوند. از این ها بگذریم، در ۲۸ ژوئن سال ۱۹۱۴ فرانتس فردیناند، ولیعهد اتریش به بوسنی سفر کرد و آنجا به دست یک جوان ملی گرای بوسنی کشته شد. مرگ ولیعهد مانند یک زلزله بر سر اروپا خراب شد. اتریش که به دنبال بهانه بود تا استقلال طلبی صربستان را با خاک یکسان کند، از این فرصت استفاده کرد و در ۲۸ ژوئیه سال ۱۹۱۴ به صربستان اعلام جنگ کرد. روسیه که خود را پدروخوانده صربستان میدانست، لشکر را بسیج کرد و به آلمان اعلام جنگ کرد و آلمان هم از خداخواسته چون میدانست فرانسه هم به بازی جنگ میپیوندد، به فرانسه هم اعلام جنگ داد. انگلستان هم که به دنبال بهانه میگشت به آلمان اعلام جنگ داد. ارتش آلمان ۵ میلیون سرباز، اتریش ۳ میلیون سرباز، فرانسه ۴ میلیون سرباز و روسیه ۶ میلیون سرباز، انگلیس ۱ میلیون سرباز روانه جنگ کردند. در نبرد های دریایی فقط انگلیس و آلمان رودررو بودند. در این جنگ هواپیماها تازه ساخته شده بودند و زیاد از آنها استفاده نمیشد و تانک در اواسط جنگ استفاده شد و در سال ۱۹۱۶ وارد نبرد شد. بیشتر از توپ و تفنگ برای جنگیدن استفاده میکردند. مخترع تانک سوئیتون بود که اختراعش را فرماندهام ارتش سالها به هیچ میگرفتند اما سرانجام وینستون چرچیل میانجیگری کرد و تانک وارد بازی جنگ شد. در سال ۱۹۱۵ اولین بار از گازهای شیمیایی استفاده شد و آلمان از آن استفاده میکرد. این گاز مشتکل از کلر بود. در اواخر جنگ، آمریکا هم وارد جنگ شد، به چه دلیل؟ به خاطر غرق شدن کشتی لوئیزیانا. آمریکا ۲ میلیون سرباز تازه نفس آمریکایی را وارد خاک فرانسه کرد و نبرد نهایی شروع شد. جنگ بین آمریکا و آلمان تا ۳۱ اکتبر ۱۹۱۸ به طول انجامید و سرانجام آلمان، به خاطر ضعف اقتصادی و نظامی ضعیفتر میشد و فقر و گرسنگی و بیماری در آلمان بیداد میکرد. بالاخره در سال ۱۹۱۸ آخرین گلوله شلیک، و جنگ به پایان رسید.

